

## مشاهدات خبرنگار بی بی سی از ترور گاندی

شصت و دو سال پیش از امروز در ۳۰ ام جنوری/ژانویه مردی که بابای ملت هند شناخته می شد، ترور شد. در حال حاضر با اوج گیری خشونت در منطقه، اهمیت فلسفه بردباری و عدم خشونت گاندی بیش از هر زمان دیگری قابل درک شده است.

لویز هیدالگو Louise Hidalgo با مراجعه به آرشیف بی بی سی گزارشی در این باره تهیه کرده که در آن چشم دیدهای یک خبرنگار بی بی سی از لحظه ی کشته شدن گاندی نیز آمده است.

هنگامی که مهاتما گاندی وارد چمن اقامتگاهش در دهلی نو می شد تا مراسم روزانه دعاخوانی جمعی را به راه بیندازد، آفتاب در حال غروب بود.

رابرت ستیمسون که در آن سالها خبرنگار بی بی سی در دهلی بود، رفته بود تا با مردی که یک سال پیش با گرفتن استقلال کشورش از بریتانیا معتبر شده بود، مصاحبه ای انجام دهد. اما در عوض او لحظه ترور گاندی را مشاهده کرد.

این خبرنگار آن لحظه را چنین به یاد می آورد:

او لنگ سفید همیشگی خود را بر تن داشت و پاپوش او هم همان صندل (شستی) اش بود. شالی به دور سینه اش انداخته بود. هوا رو به سردی می نهاد، دو نفر بازوان او را روی شانه های خود گرفته بودند. و گاندی تبسمی بر لب داشت.

در این لحظه مرد تنومند و آراسته ای که می توانم بگویم کمتر از چهل سال داشت و لباس خاکی رنگی پوشیده بود و در پیشاپیش جمعیت قرار داشت، قدمی به طرف آقای گاندی گذاشت، تفنگچه (هفت تیر) خود را بیرون آورد و چندین گلوله به سوی او شلیک کرد.

آقای گاندی به زمین افتاد، برای چند ثانیه هیچ کسی نمی توانست اتفاقی را که افتاده باور کند. همه بهت زده و سست و بی حال شده بودند. آنگاه یک جوان آمریکایی خود را از میان جمعیت به سوی مرد مهاجم پرتاب کرد و شانه های او را محکم گرفت. این عمل او، طلسم را شکست. صدای ناله و ضجه مردم فضا را پر کرده بود. شش هفت نفری، خم شدند تا آقای گاندی را از زمین بلند کنند، دیگران به جان حمله کننده افتاده بودند. دستهایی را می دیدم که بالا و پایین می شدند و به سر و شانه مرد مهاجم می خوردند و خون در صورت او دیده می شد. مردم بر او غلبه کرده بودند و از صحنه دورش کردند.

گاندی با احتیاط به خانه اش برده شد، در حیاط اصلی خانه اش که ردیفی از گل های شگفته مایه درخششی در آن بود. کنار او رفتم. بدن او را با شال خودش پوشانده بودند اما صورتش نمایان بود. چشمانش بسته بود و در سیمایش آرامشی به چشم می خورد. داخل خانه بردندش، در اتاق خواب خودش در طبقه همکف. تقریباً نیم ساعت بعد، در حالی که یکی از افراد خانواده اش بر او آیه های کتاب مقدس هندوها را می خواند، جان سپرد.

راج موهن، نواسه گاندی در آن زمان اندکی بیش از دوازده سال داشت.

" تازه از مکتب (مدرسه) آمده بودم، هنگامی که به خانه رسیدم کسی به من گفت که به سوی او (گاندی) تیراندازی شده است و گفت والدینم به محل وقوع این حادثه رفته اند و باید مرا نیز با خود به آنجا ببرد. هنگامی که ما به آنجا رسیدیم جمعیت عظیمی را دیدیم. باید وارد جمعیت می شدیم. اندکی بعد وارد اتاقی شدم که او آنجا بود. پدر من، نهرو، پاتل و مونت بتن هم آنجا بودند. او درگذشته بود.

جواهر لعل نهرو نخستین صدر اعظم بعد از استقلال بود و گاندی از او حمایت و پشتیبانی زیادی می کرد. آن شب در رادیوی ملی، نهرو تقلا کرد تا از ضایعه ای سخن بگوید که ضایعه ای برای شخص خودش و همه مردم هند محسوب می شد.

" خواهران و برادران، روشنایی از زندگی ما رفته است و دیگر همه جا تاریک شده است. هیچ نمی دانم به شما چه بگویم و نمی دانم چگونه این را به شما بگویم. رهبر دوست داشتنی ما، بابو، کسی که همه او را بابای ملت می نامیدیم، دیگر نیست."

مهندس گاندی، یا مهاتما، که روح بزرگش می خواندند، با فلسفه عدم خشونت و بردباری مذهبی خویش، الهام بخش میلیون ها نفر در هند و جهان بود. او پیش از آنکه از دنیا برود، در یک اعتصاب غذایی بود تا مردم را وادار به دست کشیدن از خشونت های فرقه ای کند، خشونت هایی که هند و کشور تازه ایجاد شده پاکستان را در خود فرو برده بود. خشونت هایی که در پی استقلال هند از بریتانیا دامن گیر هند شد، آنچه این مرد سالها برا یش تلاش و تقلا کرده بود، در ماه های آخر عمر، بار سنگینی بر دوش او شده بود.

دکتر یاسمین خان کارشناس تاریخ هند، می گوید مرگ گاندی پیش از آن بود که او خود حس کند به رویایش دست یافته است " او حس می کرد سوراج، یا خود مختاری به صورت کامل حاصل نشده بود. حتی با وجود اینکه هند استقلال یافته بود. استقلال به آن صورتی که گاندی در رویاهایش داشت و آرزو می کرد حاصل نشده بود."

گاندی مخالف تقسیم هند به دو کشور هند و پاکستان بود. اما دکتر یاسمین خان، می گوید گاندی ناچار به پذیرفتن چنین جدایی شده بود که همه شهروندان هند با آن موافق نبودند.

"مشکل در هند بود خیلی ها مخالف بودند و به مخالفت گروهی خود ادامه می دادند و نمی خواستند پاکستان به عنوان یک کشور مستقل شکل بگیرد. قاتل گاندی هم یکی از اعضای همین گروه بود."